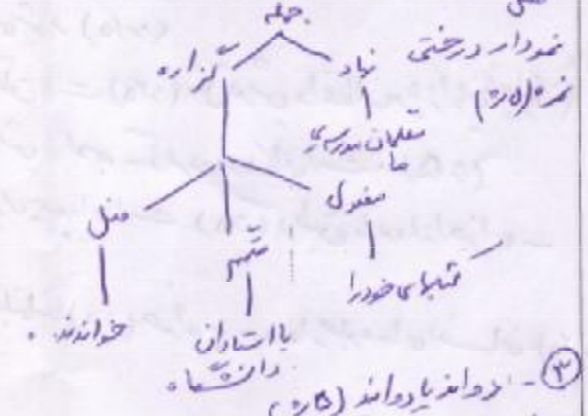


بسمه تعالی - اداره آموزش و پرورش ناحیه		نام و نام خانوادگی دبیر: مسطین	ریز بارم درس: زبان فارسی	تاریخ امتحان:	سال: ۹۰-۹۱
ردیف	سوال	نمره	ردیف	سوال	نمره
الف	زبان فارسی (۴ نمره)		ب	سزالات مربوط به املا و یا سوزم (۳ نمره)	
۱	نمهی توانست به تقعر پیر از دونه جمع مکنی به دست آورد (۲۵) و نه تقدر علم خدرا بر برمران مستقل (نقطه)		۱	الف - تلفظ (۲۵) ب - سوزم (۲۵)	
۲	موجب می شود که زبان های انسانی بچیان اسکانات پیچیده دست کرده ای دست یابند (۲۵) که نظیر آن ها در زبان های دیگر نیز یافت نمی شود (۲۵)		۲	چون در آن کلمه فارسی آزمونش «بانشانه» جمع عربی یعنی «است» همراه شده است (۲۵)	
۳	که حرف به طبیعت یا قشر اجتماعی خاصی متعلق است (۲۵) مثل لوس و اعغان و با زبان (نقطه)		۳	تحریر ریفت به معنی نوشتن است (۲۵) و حیط تحریر در اصطلاح، حیط نوشتن یا دست است (۲۵)	
۴	شکل های زبان به سه نوع است: لونه - لوس - لجم - ذمرد صورت کانی است (۲۵)		۴	نبراد فارسی به ضلالت زبان عربی به معنی سخن اراداره کند - چیزی زن باشد چه مرد - مدیر (نقطه)	
۵	شفر از نظام و محسوس به هم پیوسته و پیچیده ای است (۲۵) که طبق قاعده از اجزای -		۵	غنا و ثروت - هیئت بر شیشه - سفاکت و نارانی - حله ای ابریشمین «حرفقت» (۲۵)	
۶	کویب شری ساخته شده باشد (۲۵)		ج	سزالات مربوط به تقاض (۵ نمره)	
۷	نبرایا همه ی جلوه های زهره ای را در خود بلیا کند (۲۵) خداه پدیده ها جلوه های انسانی (۲۵)		۱	که ناظر بر جنبه های علمی (۲۵) یا تخصصی اثر است	
۸	خداه اجتماعی و خداه طبیعی - (۲۵)		۲	نامه ها بر حسب نوع تقاض (۲۵) و کلمه های آن (۲۵) تقسیم می شوند	
۹	سزالات مربوط به املا و یا سوزم (۳ نمره)		۳	الف - کلمات را شکت به کار بنویس (۲۵) ب - خطاب زاید را حذف کن (۲۵)	
۱۰	الف - تلفظ (۲۵) ب - سوزم (۲۵)		۴	زبان مکنی برای (۲۵) د - اصل رسالی نوشته را رعایت کن (۲۵) که مورد کافی است	
۱۱	چون در آن کلمه فارسی آزمونش «بانشانه» جمع عربی یعنی «است» همراه شده است (۲۵)		۵	روشن کردن معنی و مفهوم (۲۵) بیان شباهت ها و تفاوت ها در جاست و برتری های -	
۱۲	تحریر ریفت به معنی نوشتن است (۲۵) و حیط تحریر در اصطلاح، حیط نوشتن یا دست است (۲۵)		۶	درام صندی حادثه را مجسم کند (۲۵) حماسه صندی حادثه را حکایت می کند و قاضا بر ا به حال -	
۱۳	نبراد فارسی به ضلالت زبان عربی به معنی سخن اراداره کند - چیزی زن باشد چه مرد - مدیر (نقطه)		۷	برای و بر تولد و بین از بنا را (نقطه) و قبل از نقل قول (۲۵) یا هر مورد دیگر مربوط به آن	
۱۴	غنا و ثروت - هیئت بر شیشه - سفاکت و نارانی - حله ای ابریشمین «حرفقت» (۲۵)		۸	انجیلات کونا کون صحت و بیان و صحت و اعتبار وقت، نظم و آراستگی -	
۱۵	سزالات مربوط به تقاض (۵ نمره)		۹	علامت تقاضی - - - یا زینتی شود - چاره مورد کافی است نوهی هر مورد (۲۵)	
۱۶	که ناظر بر جنبه های علمی (۲۵) یا تخصصی اثر است		۱۰	زبان این نوشته ادبی است (۲۵) چون از آرایه های تشبیه استفاده کرده است (۲۵)	
۱۷	نامه ها بر حسب نوع تقاض (۲۵) و کلمه های آن (۲۵) تقسیم می شوند			یاقه در صنفی درم	
۱۸	الف - کلمات را شکت به کار بنویس (۲۵) ب - خطاب زاید را حذف کن (۲۵)				
۱۹	زبان مکنی برای (۲۵) د - اصل رسالی نوشته را رعایت کن (۲۵) که مورد کافی است				
۲۰	روشن کردن معنی و مفهوم (۲۵) بیان شباهت ها و تفاوت ها در جاست و برتری های -				
۲۱	درام صندی حادثه را مجسم کند (۲۵) حماسه صندی حادثه را حکایت می کند و قاضا بر ا به حال -				
۲۲	برای و بر تولد و بین از بنا را (نقطه) و قبل از نقل قول (۲۵) یا هر مورد دیگر مربوط به آن				
۲۳	انجیلات کونا کون صحت و بیان و صحت و اعتبار وقت، نظم و آراستگی -				
۲۴	علامت تقاضی - - - یا زینتی شود - چاره مورد کافی است نوهی هر مورد (۲۵)				
۲۵	زبان این نوشته ادبی است (۲۵) چون از آرایه های تشبیه استفاده کرده است (۲۵)				

یاقه در صنفی درم

دستور زبان (۸ ماده)
 ① - الف - مثل مضارع التزامی - لب - مثل آنکه (مستقبل) (۲۵)
 ② - چهار جزئی مفعول و متمم - عملان مصدری ما کتابی خود را با استادان دانشگاه
 خواندند (۲۵)
 فعل مفعول متمم



③ - از او اندامی در او اند (۲۵)
 او را عصب را در او اندامی در او اند (۲۵)
 ④ - بن ماضی ← نوشت / بن مضارع ← نوشت / بن مفعول ← نوشت (۲۵) - (۲۵) - (۲۵)

⑤ - مصدر هم با گروهی از کلمات است که فعل اسنادی به آن نیاز دارد (۲۵)
 مثال: «او حرفی ننهد» یا «هر سال در (۲۵)»

الف - آسمان چیست = آسمان چه چیز است. «هم جزئی صندمی» (۲۵)
 ب - پرندگان در میان پرندگانه بودند (۲۵)
 نهاد مفعول نهاد

⑦ - مضارع اخباری رقم شخص موردی می پوشی (۲۵)
 ماضی نقلی رقم شخص موردی ← پوشیده ای (۲۵)
 فعل آنکه رقم شخص موردی ← خواهی پوشید (۲۵)
 ماضی بعید رقم شخص موردی ← پوشیده بودی (۲۵)
 ⑧ - برای فعل ناکدره رفتن یا آمدن یا هر مصدر دیگر (۲۵)
 برای فعل گذارم مفعول ← شناختن یا آوردن یا هر مصدر دیگر (۲۵)
 برای فعل گذارم مفعول ← بودن یا شدن یا هر مصدر دیگر (۲۵)
 برای فعل گذارم متمم ← جنبیدن یا رفتن یا هر مصدر دیگر (۲۵)